

بازخوانی پرونده عجیب و وحشتناک یک قتل عام در ورامین؛

قاتل، آشنا بود

داری کم خونی امیررضا عازم تهران بوم سوار ماشین مردی به نام ابراهیم شدم. با او هم کلام شدم و خودم را مجرد معرفی کردم و گفتم عماد و امیررضا بچه‌های برادر هستند. بعدا به آنها یاد دادم که من را جلوی ابراهیم عمه صدا بزنند. ارتباط من و ابراهیم زیاد شد و هر روز به من علاقه بیشتری پیدا می‌کرد. تا اینکه یک روز وقتی ترک مو تور او سوار شده بودم، ابراهیم من را دید. شب برای او توضیح دادم که ارتباط خاصی با ابراهیم ندارم اما او باور نکرد و نقشه انتقام از ابراهیم را کشید.

به این ترتیب اسماعیل برای همسر خود شناخته‌نامه‌ای جعلی درست کرد و مقدمات خواستگاری ابراهیم از او را فراهم کرد و خودش را برادر معصومه معرفی کرد؛ من با شناخته‌نامه جعلی و با نام قلابی هاینه، همسر ابراهیم شدم و به عنوان غروس در خانه پدری اش زندگی می‌کردم. جشن عروسی و حیثانند هم گرفتیم و اسماعیل ۶۰۰ نفر مهمان دعوت کرد. دو ماه که گذشت، اسماعیل خواهر ابراهیم به نام فاطمه را از او خواستگاری کرد و آنها هم مدتی بعد به عقد همدیگر درآمدند.

قتل نو عروس برای انتقام از برادرش

اسماعیل بعد از اینکه فاطمه را عقد کرده بود، او را به همراه جهیزیه به راهی خانه بخت کرده بود. اما برای انتقام از ابراهیم، خواهر او یعنی فاطمه را در همان خانه بخت با چاقو به قتل رساند و جهیزیه به اش را سر به نیست کرد.

هر تکه جسد ابراهیم را گوشه‌ای انداختم

اسماعیل مدتی بعد با ردیابی پلیس به دام افتاد و در اعتراف به قتل هام، اجاری به قتل رساندن ابراهیم را اینطور تعریف کرد: «بعد از اینکه فاطمه را کشتم، با ابراهیم تماس گرفتم و به بهانه پیدا کردن کنج او

گروه حوادث - در این گزارش یک پرونده قضایی هولناک را بازخوانی می‌کنیم که مرد جوان، دو فرزند خردسال خود و یک خواهر و برادر غریبه را به طرز فجیعی به قتل رساند. اواسط سال ۸۲ رسیدگی به پرونده قتل دو طفل بی‌گناه به نام عماد و امیرزاد در حالی در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت که پدر آنها به عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت. پدر شوهرش دیده بود در اولین اظهارات به مأموران گفت: «وقتی داشتم وارد خانه می‌شدم شوهرم اسماعیل به من گفت بچه‌ها نرود زن عمویشان هستند و از خانه رفت. بعد هم دیگر او را ندیدم. وارد خانه که شدم جاری ام را دیدم که از بچه‌های اطلاع بود و یک دفعه اجساد آنها را در در حمام خانه پیدا کردیم.»

قاتل، پدر بچه‌ها بود

در بررسی‌های به عمل آمده از سوی مأموران پلیس مشخص شد، پدر بچه‌ها به نام اسماعیل بعد از وقوع جنایت در محل حادثه یعنی ورامین به فریور کوه گریخته است. اما زمانی که پلیس مخفیگاه او را پیدا کرده، دوست او اعتراف کرد که اسماعیل قبل از رسیدن مأموران از آنجا فرار کرده است.

در بازجویی‌هایی که از دوست اسماعیل به نام جعفر به عمل آمد، وی پرده از راز جنایتی هولناک برداشت و گفت: «اسماعیل دو کودک خود را سلاخی کرده بود اما قبل از آن با همدستی من و همسرش و یکی از دوستانمان به نام غلامحسین یک خواهر و برادر را هم به قتل رساندیم.»

یک زن هم زمان دو شوهر داشت

با اعتراف جعفر، همسر اسماعیل به نام معصومه بازداشت شد و لب به اعتراف کشید: «حدود یک سال قبل در حالی که برای تهیه



این کلمات هولناک توسط شخصی نوشته شده است که به دلیل بی‌عدالتی‌های گوناگونی که از سوی جامعه پزشکی و تا حدی دولت علیه او انجام شده بود، تعادل نداشت. وی به اسکیزوفرنی مبتلا شده بود. او فکر می‌کرد پزشکان برای فریب او درمان بیماری سل اش را تایید کردند تا از مستمری جنگی اش محروم شود. همچنین همسرش در هنگام زایمان فوت کرده است. او طرفدار پزشکان نبود. وی ۸ دانش آموز بین ۱۲ تا ۱۸ سال و دو معلم را کشت. او قبل از محاکمه قضایی درگذشت.

۵- آرمین میوز، نامه آدم‌خوار

اصرار غیر قابل کنترل به قصاب برای مصرف گوشت انسان معمولاً نشانه‌مطمئن از دیوانگی است. با این حال، این فرد رویای کودکی اش در مورد کشتن و خوردن افراد بوده است.

میوز در وب سایت کافه آدم‌خوار در جستجوی یک قربانی داوطلب بود و او را پیدا کرد. بعد از اینکه چند نفر پاسخ دادند، اما عقب نشینی کردند (برای همین که میوز بسیار جدی است) مهندس برلند یورگن آرماندو براندس پاسخ او را داد. آن دو با هم روبرو شدند و میوز او را خورد. اما آیا این قتل محسوب می‌شد؟ پس از دادگاه، میوز مقصر شناخته و به حبس ابد محکوم شد.

کاری که میوز انجام داد غیر اخلاقی بود. حتی خود او نیز موافق بود. وی از آن زمان در خواست کرده است که افرادی که در مورد تخلیات آدم‌خواری با چنین مشکلی روبرو هستند، قبل از ارتکاب جرم از متخصصان کمک بگیرند. او اکنون یک گیاه‌خوار نیز هست.

۶- فرگوس گلن، دو کلمه کوچک

همه ما باید بیشتر اوقات به رفتار خود توجه کنیم. از راننده اتوبوس هنگام رسیدن به ایستگاه خود تشکر کنیم، کلمه "لطفاً" را به پایان درخواست‌هایمان اضافه کنیم و از یک عزیز که به تازگی یک غذای خوشمزه برایمان درست کرده است، تشکر کنیم.

در سال ۲۰۰۳، فرگوس گلن، ۳۶ ساله از وینویماتای نیوزیلند، برای برادر کوچکترش کریگ یک شام آماده کرده بود. کریگ، ۳۳ ساله، آخرین لقمه خود را با خوش حالی بدون تشکر خورد. این مسئله آشنیز مغرور را خشمگین کرد. فرگوس برادرش را با تبر کشت و گفت: «او مرا آزار داد و من این کار را کردم. افتخار نمی‌کنم، اما این کار را کردم.»

قاتلانی که با عجیب‌ترین انگیزه‌ها جان افراد را گرفتند

گروه حوادث - فرقی ندارد یک جرم چند فرجیع باشد، همیشه یک توجیه توسط مجرم ارائه می‌شود. گاهی قاتلی از صحنه جنایت بیرون می‌آید و دلایلی کاملاً عجیب را اظهار می‌کند. در متن زیر داستان ۶ قاتل با توجیه‌های عجیب و غریب آورده شده است.

۱- رابرت لیونز، بزرگترین و کشنده‌ترین طرفدار اوریل لایون

برای رفتن به کنسرت خواننده محبوبیانی چه مقدار راه می‌پیماید؟ در سال ۲۰۱۱، رابرت لیونز ۳۹ ساله مادرش را هنگامی که به تپه‌بلیط برای برنامه اوریل لایون مخالفت کرد، با ضربات چاقو کشت. او در نهایت عصبانیت زن ۶۱ ساله را با تکت‌زدن و با شیشه شکسته نوشیدنی ۹ و پار ضربه‌زدن به پیشش کشته است. این حمله چنان خشنوت‌آمیز بود که تیغه شیشه شکست و قاتل تیغی‌های دیگر برداشت و سپس موادشونده مختلفی به منظور تحقیر روی وی جسد ریخت. وی چندی بعد در یک رستوران محلی در هورنر دستگیر و به ۴۰ سال حبس محکوم شد.

۲- برندا آن اسپنسر، او دوشنبه‌ها را دوست نداشت

آهنگ محبوب گروه باب گلدوف به نام او دوشنبه‌ها را دوست نداشت، یک ماه جایگاه اول جدول سینگل موسیقی انگلیس را داشت. این آهنگ بر اساس یک قتل معروف بود که توسط برندا آن اسپنسر ۱۶ ساله در یک مدرسه در سن دیگو انجام شد. دختر جوان آشفته در مقابل دبستان کیولتلند زندگی می‌کرد. در ۹ ژانویه سال ۱۹۷۹ روز دوشنبه او شروع به شلیک از سمت خانه‌اش به طرف برخی از دانش‌آموزان در حال ورود به مدرسه کرد.

مدیر مدرسه، برتون راگ در تلاش برای کمک به برخی از کودکان آسیب دیده کشته شده و مایک سوچار، خادم مدرسه نیز هنگام تلاش برای کمک به معذب، مورد اصابت قرار گرفت و کشته شد. با رسیدن پلیس به صحنه، قاتل جوان شروع به شلیک به سمت آن‌ها کرد. اسپنسر هنگامی که ۷ ساعت در خانه‌اش محاصره شده بود، با یک روزنامه‌نگار تلفنی مصاحبه کرد. وی سرانجام خود را به پلیس تحویل داد و به حبس ابد محکوم شد.

چرا او این کار را انجام داده است؟ وی به روزنامه‌نگار می‌پروند. به درگیر جنگ با پلیس بود گفت: من دوشنبه‌ها را دوست ندارم.

۳- کریگ والتر، ماهیگیر ناخشنود

در سال ۲۰۰۵، دو دوست از شرق لندن تصمیم گرفتند که به یک آبراه در نزدیکی جزیره سنگ‌های لندن برای ماهیگیری بروند. به نظر کریگ والتر ۳۴ ساله و موریس ویلسون ۴۸ ساله فقط دو چیز می‌توانست ماهیگیری را لذت‌بخش تر کند: مواد مخدر و مشروبات الکلی. با مصرف این مواد، برخی از افراد دنیا را از دریچه‌ای مبهم می‌بینند و برخی دچار پارانوئید می‌شوند. والتر که چاقو همراهش داشت، دچار پارانوئید شده بود. ویلسون بیشتر وقت خود را صرف حمایت از شگفتی‌های موجود در جهان و لذت بردن از زندگی کرده بود که تأثیر منفی روی والتر می‌گذاشت. سرانجام، پس از فریاد "من زندگی را دوست دارم"، والتر به ویلسون حمله‌ای وحشیانه کرد. ویلسون ۱۷ مورد اصابت چاقو قرار گرفت.

۴- والتر سیفرت، از پزشکان متفرغ باش، کودکان را بکش.

بر گرفته از نامه‌ای به شرکت‌های دارویی، پزشکان و اورژانس‌های پزشکی نوشته شده توسط والتر سیفرت، عامل "قتل عام مدرسه کلن".

در خیابان خلوت چه گذشت؟

زن با دیدن این مرد زبانش بند آمد

دست یافتند که در گروه گشایی از پرونده مؤثر بود. کار آگاهان مبارزه با سرقت‌های خشن پلیس آگاهی خراسان رضوی، در بررسی‌های اولیه خود موفق به ردزنی متهم اصلی این پرونده شدند. در ادامه پس از شناسایی هویت فرد زورگیر، تحقیقاتی جامع به منظور شناسایی محل اختفای این فرد آغاز شد. کار آگاهان پس از کنترل و مراقبت‌های پوششی، توانستند متهم را در اقدامی غافل گیرانه در یکی از خیابان‌های مشهد دستگیر کنند.

با انتقال متهم به پلیس آگاهی، بازجویی‌های تخصصی از متهم آغاز شد. هر چند متهم به سرقت‌های خشن مدعی بود که بی‌گناه است، اما شواهد و ادله موجود در پرونده و رویارویی زن جوان با متهم، ادعاهای او را باطل کرد.

یک زن هم زمان دو شوهر داشت

اعتراف سارقان زورگیر به ۸ فقره سرقت طلای زنانه متهم با توجه به شواهد موجود لب به اعتراف کشود و سرقت از زن جوان را پذیرفت، اما اینکه این فرد تنها مرتکب یک سرقت شده باشند، چندان مورد قبول کار آگاهان مبارزه با سرقت‌های خشن پلیس آگاهی استان نبود. متهم در ادامه با توجه به بازجویی‌های تخصصی به ۸ فقره زورگیری خیابانی دیگر نیز اعتراف کرد. به گفته رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی، تحقیقات درباره شناسایی مال‌باختگان آغاز شده است. سرهنگ شفیع زاده ادامه داد:

گروه حوادث - زن جوان در مشهد گرفتار زورگیران خشن شده بود و با ترس و وحشت حادثه را تعریف کرد.

ترس و وحشت زبانش را قفل کرده بود. نمی‌توانست آنچه بر او گذشته بود را به درستی باز گو کند. او اسیر زورگیران خشنی شده بود که با تهدید و توسل به زور، طلاهایش را از سر و گردنش کشیده و دزدیده بودند.

زن جوان در حال قدم‌زدن در یکی از خیابان‌های خلوت در محدوده احمدآباد مشهد، اسیر زورگیران شده بود و برای شکایت از این زورگیران خشن به پلیس آگاهی هدایت شده بود.

زن جوان در توضیح جزئیات این سرقت خشن به کار آگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، گفت که هنگام پیاده‌روی مردی جوان جلیلو را گرفته و با تهدید چاقو، طلاهایش را ربوده و متواری شده است.

احتمال تکرار این جرم از سوی متهم، منجر به صدور دستور تخصصی از سوی سرهنگ جواد شفیع‌زاده، رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی شد.

این عملیات در راستای اجرای طرح تشدید مقابله با سرقت‌های خیابانی، در دستور کار کار آگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران با توجه به اظهارات مال‌باخته در پرونده سرقت طلا به سرخ‌هایی



راه به بیابان‌های اطراف فیروز کوه کشاندم. بعد با کمک دو دوست به نام‌های جعفر و غلامحسین، ابراهیم را کشتم و جسدش را تکه تکه کردم و هر تکه اش را به یک سمت انداختم.»

قتل دو طفل بی‌گناه به بهانه خرید ساندویچ

اسماعیل در مورد انگیزه خود از قتل دو فرزندش گفت: «پسرانم شاهد به قتل رسیدن فاطمه بودند. وقتی فاطمه را کشتم، جسدش را در یک گونی انداختم و خارج از شهر بردم. بچه‌ها این صحنه‌ها را دیده بودند و چند بار از زیانشان شنیدم که می‌گفتند بابا فاطمه را کشت!»

ترسیدم که آنها را از قتل افاش کنند. برای همین شش حادثه به آنها گفتم می‌خواهم برایتان ساندویچ بخرم چون خیلی ساندویچ دوست داشتند. بعد آنها را از خانه خودم بیرون برده و به خانه پدرم بردم و در حمام خانه بچه‌ها را کشتم.»

بعد از اعترافات هولناک متهمان به این جنایت سیاه، آنها در دادگاه از خود دفاع کردند و زمستان سال ۸۴ اسماعیل به دار مجازات آویخته شد.



متهم با معرفی مال‌خراموال مسروقه که همه‌لازم‌سرتی را از این فرد به بهای کمی می‌خریده، زمینه دستگیری این متهم را نیز فراهم کرد. وی ادامه داد: هم‌زمان با دستگیری مال‌خر، به دستور مقام قضایی، تحقیقات در این باره ادامه دارد.

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی از شهروندان به خصوص بانوان خواست تا هنگام پیاده‌روی و تردد در خیابان، کلاه‌های ارزشمنندی همچون طلا را با خود همسراه نکنند و حداقل این زیورات را در معرض دید افراد قرار ندهند، تا اسیر زورگیران و شیادان نشوند.

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

استخدام

مفقودی

خدمات

خرید و فروش و ...

استخدام

استخدام

جویای کار

مفقودی

آموزشگاه رانندگی جهت تکمیل کادر خود نیاز به تعدادی مربی خانم و آقا با ماشین دنده ای و یک نفر کادر اداری و یک نفر نیروی خدماتی نیاز دارد. ۰۹۱۲۷۶۹۱۲۳۳

به دو نفر سالاد زن و یک نفر حسابدار و صندوق دار نیازمندیم. شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۲۳

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی

خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

پرستار - مربی کودک

۴ ساله در منزل شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۵۵

نیروی خدماتی خانم با سواد جهت کار در یک شرکت استخدام می‌شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک B۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

آموزش موسیقی

پیانو - آواز - سلفژ سنتور - تنبک دف (ویژه بانوان) - گیتار زیر نظر لیسانس موسیقی با ۳۰ سال سابقه تدریس و اجرای عمومی ۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی

تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شرکت شاندیز کیش

